

نویسنده: نیروانا

جمعه 2 بهمن 1388 ساعت: 7:35

استاد گرامی:

پیشگفتار کتاب تازه شما همان نعل وارونه است که در کتاب پیشن خود راجع به جامعه ایران بیان نموده اید و همچون واژه غرب زدگی آل احمد واژه آمریکازدگی را بکار می برید. این نگرانی دو چندان می شود هنگامی که دریابیم ایرانیان بسیاری کتابهای شما را می خوانند و به سایت شما دسترسی دارند. ایا می توان پاسخی بر پرسمان جامعه ایران یافت و در مقابل اسلام سکوت نمود. ایا اسلام **Axiom** جامعه ایران است. ایا درخواست نا بجایست که دانشمندان و روشنفکران ما این هنجار را آسیب شناسی کنند. با سپاس.

نویسنده: کرامت موللی

یکشنبه 4 بهمن 1388 ساعت: 12:40

آقای نیروانای عزیز

در مورد اصول موضوعه جامعه ایرانی این درست نکته ایست که اساس پیشگفتار کتاب را تشکیل میدهد. حال اگر شما آنرا در این پیشگفتار نیافته ایست احتمالاً خطا از من است که نتوانسته ام با زبان الکن خود آن را بخوبی مفهوم کنم. نکته دیگر اینکه نمی فهمم چرا نگران خواندن این پیشگفتار توسط ایرانیان هستید مگر خود شما بر آن نیستید که روشنفکران ما میبایستی «این هنجار را آسیب شناسی» کنند. با احترام

نویسنده: نیروانا

یکشنبه 4 بهمن 1388 ساعت: 16:34

استاد گرامی:

نگرانی من از بابت لغزشها بود. لغزش یک استاد می تواند بصورت نمایی در جامعه گسترش یابد بویژه استاد گرانقدری همانند شما. واما بعد.

فرموده اید جامعه ایران "واجد سنت بوده ولی فاقد گذشته است" در مقابل سنت چه پاسخی دارید اگر منظور سنت باستانی باشد پس فاقد گذشته نیست و دچار پارادوکس راسل گردیده اید. چنانچه منظور سنت اسلام باشد دچار اسلام زدگی شده اید و این همان لغزشیست که اب هر درستی را می ریزد. در مقابل گذشته چه پاسخی دارید مگر ادیسه و ایلیاد هومر افزون بر شاهنامه استاد فردوسی چه دارند که غرب به آن می بالد و شگفت آنکه فارسی سره را نمی پسندید و در شهری زندگی می کنید که می گویند کاربرد واژه بیگانه جریمه مادی دارد.

خاموش نشسته ای دماوند ضحاک گریخت اخر از بند.

از توده اتبین کسی نیست تا باز نهد به پای او بند. (دکتر سرامی

دو ازدهای ضحاک غرب و عرب می باشد. بیایم با هم تا ایران را آباد سازیم نه

بقول شما امریکا زده باشیم نه اسلام زده خودمان باشیم ایرانی و پاک.

با سپاس و امید.

نویسنده: نیما

یکشنبه 4 بهمن 1388 ساعت: 21:4

با سلام به شما آقای موللی

و با تبریک به تمامی دوستداران روانکاوی لکانی در ایران بمناسبت انتشار کتاب جدید دکتر موللی

به نظر شما رابطه ای میان روانشناسی تحلیلی (analytical psychology) کارل یونگ و روانکاوی لکان

وجود دارد؟

آیا لکان درباب یونگ و قرائت او از روانکاوی نکته ای ذکر کرده است؟

با تشکر

نویسنده: کرامت موللی

سه شنبه 6 بهمن 1388 ساعت: 10:1

قای نیمای عزیز

سخنانی که لکان در مورد یونگ گفته است از قرار معلوم همگی در محضری خصوصی بوده و جنبه عمومی پیدا

نکرده است لذا نمیتوان صدق و کذب آنها را معلوم کرد .

مشکل اصلی در رابطه یونگ با روانکاوی در این است که با ضمیر ناآگاه جمعی خود یکی از اساسی ترین اصول

بالینی را بکلی کنار میگذارد چراکه وسیله عمده روانکاوی در کار عملی او در این است که فرد بعنوان فاعل

نفسانی مسئولیت آرزومندی خود را عمیقاً متقبل شود و وجود آن را بعنوان سرسودای خود بپذیرد، امری که او

را در مقابل ذات متقسم و بقول قدمای ما در مقابل ماهیت برزخی او قرار خواهد داد بدین معنی که انسان در این انقسام از یکسو با آرزومندی غیر مواجهه میشود و از سوی دیگر درمییابد که این غیر موجودی جز خود او نیست چراکه ضمیر ناآگاه او را متعلق به غیری میکند که کسی جز خود او نیست، غیری که از طریق زبان تکلم و اساطیر فرهنگی و گفتار اجتماعی بر او تسلط دارد.

ناگفته پیداست که چرا یونگ اینهمه بمذاق ما ایرانیان آشناست چراکه همواره با پناه بردن به دین و عرفان و یا جامعه شناسی و غیره از خویشتن خویش فرار کرده دست ردّ بر پرسش و تعهد از آرزومندی خود میزنیم. نکته دیگر مسأله همکاری یونگ با رژیم نازی در جنگ جهانی دوم است که غالباً از مباحث مربوط به او در میان طرفدارانش غایب است. بااحترام

نویسنده: نیما

چهارشنبه 7 بهمن 1388 ساعت: 8:59

با سلام دوباره و سپاسگزاری از پاسختان

این بار میخواستم نظراتان را درباره تلفیق روانکاوی و مارکسیسم جویا شوم . البته این امر سابقه ای طولانی دارد ؛ از ویلهلم رایش تا هربرت مارکوزه و کورنلیوس کاستوریادیس، و امروزه بسیاری از جمله الن بدیو و اسلاوی ژیژک همگی افرادی هستند که به نحوی از انحاء سعی در ارائه تئوری ای مارکسیستی-روانکاوانه داشته و دارند.

آیا به عقیده شما چنین تلفیقی امکانپذیر است ؟

آیا اساساً این امر مطلوب است ؟

نویسنده: نرگس

پنجشنبه 8 بهمن 1388 ساعت: 23:36

سلام خدمت جناب آقای مولی.

ازاینکه کتاب جدیدهم توانستم تهیه کنم برایم مایه خرسندیست.

من به دنبال مطالبی درباب لکان ونظریاتش درموردنارسی سیسم هستم.البته کتاب های ترجمه شده شمارامطالعه کرده ام درصورت امکان مطالبی اضافه برآن ویآدرس سایت ومقاله اگر دراختیارم بگذارید ممنون می شوم. باتشکر.

نویسنده: رهگذر

شنبه 10 بهمن 1388 ساعت: 12:23

با سلام و سپاس

لطفا متن کامل کتاب "فروید به ترتیب حروف الفبا" را در سایت قرار دهید.

با تشکر فراوان از زحمات بی دریغ جناب آقای موللی

نویسنده: کرامت موللی

چهارشنبه 14 بهمن 1388 ساعت: 23:18

نظر دوستان را به مقاله ای جدید از آقای محمد امین مروتی در بخش «مقالات شما» جلب میکنم. عنوان آن

«حاشیه ای بر کتاب مبانی روانکاوی» میباشد.

نویسنده: سهند

جمعه 16 بهمن 1388 ساعت: 14:49

استاد موللی: مقاله جدید آقای محمد مروتی باز نمی شود.

نویسنده: کرامت موللی

جمعه 16 بهمن 1388 ساعت: 16:45

آقای سهند عزیز

از توجه و مراقبت شما سپاسگزارم. مشکل دسترسی به مقاله جدید آقای مروتی حل شده است و اکنون میتوانید

آن را باز نموده بخوانید. بااحترام

نویسنده: نرگس

دوشنبه 19 بهمن 1388 ساعت: 21:19

سلام خدمت آقای موللی.

درصورت امکان درمورد نظرات و نوشته های لکان درموردنارسی سیسم زاهنمایی بفرمایید.

ممنون.

نویسنده: حامد صوفی

سه شنبه 20 بهمن 1388 ساعت: 23:5

با درود دوباره بر دکتر موللی عزیز،

در ادامه روانکاوی افسانه آل در کتاب مبانی روانکاوی تان و با الهام از آن، مقاله ای با عنوان " رمز گشائی از افسانه لولو خورخوره " آماده کرده ام؛ خرسند می شوم نظرتان را بفهمانم.

آدرس دریافت مقاله <http://justarticle.blogfa.com/post-1.aspx> :

نویسنده :کرامت موللی

پنجشنبه 22 بهمن 1388 ساعت: 23:18

آقای صوفی عزیز

امکان دسترسی به آدرسی که داده اید نیست. لطفا آن را بصورت دیگری بفرستید. بااحترام

نویسنده :کرامت موللی

پنجشنبه 22 بهمن 1388 ساعت: 23:24

خانم نرگس عزیز

متأسفانه لکان نوشته یا سمیناری خاص در باب نارسیسیسم ندارد. شاید بهترین وسیله برای دسترسی به این مبحث نزد لکان این باشد که با مرحله آینه شروع کنید. لطفا برای مراجع لازم به کتابم «مبانی روانکاوی» در بخش مرحله آینه رجوع کنید. در بخش اصطلاحات روانکاوی در همین سایت میتوانید مقاله مربوط به نارسیسیسم را نیز مطالعه کنید. بااحترام

نویسنده :حامد صوفی

جمعه 23 بهمن 1388 ساعت: 13:2

با درود دوباره،

مقاله را برایتان ایمیل کرده ام (با نام لولو خورخوره) ، منتظر پاسختان خواهم ماند .

با پاس و سپاس

نویسنده :نرگس

یکشنبه 2 اسفند 1388 ساعت: 19:27

باسلام.

سپاس از راهنمایی هایتان.

قرار بود مطلبی رادر رابطه بانارسیسیسم و دیدگاه لکان ارائه دهم که بارهنامهی و مطالب کتاب هایتان

و دیگر مقالات و کتاب ها توانستم هر چند کوچک مطالبی ارائه دهم.  
سپاس.

نویسنده: کرامت موللی

چهارشنبه 5 اسفند 1388 ساعت: 13:48

مقاله جدیدی از حامد صوفی در بخش «مقالات شما» درباره لولوخورخوره

نویسنده: تقویان

چهارشنبه 5 اسفند 1388 ساعت: 18:46

با سلام

کتاب جدید شما را با اشتیاق خواندم. سپاس بسیار از شما  
آقای دکتر! متأسفانه اغلاط چاپی کتاب زیاد است. امیدوارم به ناشر تذکر بدهید  
با سپاس دوباره

نویسنده: نیما

پنجشنبه 6 اسفند 1388 ساعت: 21:36

با سلام

ای کاش کتاب جدیدتان را برای چاپ به یکی از انتشاراتی های معتبر مثل همان نشر نی میسپردید. متأسفانه نشر  
دائزه نه تنها انتشارات چندان معتبر و معروفی نیست، بلکه بخش آن نیز بسیار ضعیف است و این کتاب بجز در  
تهران در دیگر نقاط ایران قابل دسترس نیست.  
با احترام

نویسنده: تقویان

شنبه 8 اسفند 1388 ساعت: 18:14

سلام آقای سهند

اگر برایتان مقدور است لطفا آدرس ایمیل خود را در اختیار من بگذارید  
با تشکر

نویسنده: سهند

یکشنبه 9 اسفند 1388 ساعت: 9:38

آقای تقویان: با عرض سلام ایمیل من [snasimi@gmail.com](mailto:snasimi@gmail.com) است

نویسنده: محمد

دوشنبه 10 اسفند 1388 ساعت: 7:24

میبخشید من تا حدودی با توپولوژی آشنا هستم. بعضی مفاهیم مثل مجموعه باز یا بسته یا فضاهای فشرده و... رو در این کتاب افتضاح توضیح دادین. یعنی کسی آگه بخواد از این توضیحات اونا رو یاد بگیره تقریباً غیر ممکنه. تازه کسانی که تو این حوزه تو ایران مطالعه میکنند عموماً دیپلم انسانی هستن و خب با این ماجراها سرو کاری نداشتن. ممنون.

نویسنده: کرامت موللی

دوشنبه 10 اسفند 1388 ساعت: 17:18

آقای محمد عزیز

از ملاحظات شما در مورد کتابم بسیار ممنون هستم. اگر برایتان ممکن باشد مایل خواهم بود توضیحات و یا تصحیحات شما را با دقت مطالعه کنم. در این صورت می توانید از طریق ایمیل در بخش **contact me** در همین سایت بامن تماس بگیرید. بعلاوه مایلم بدانم که آیا توپولوژی را به چه زبانی مطالعه کرده اید. آنچه در اینجا ذکر کرده اید به تئوری مجموعه ها مربوط است نه به توپولوژی. در هر حال مشتاق توضیحات شما هستم. با احترام

نویسنده: کرامت موللی

دوشنبه 10 اسفند 1388 ساعت: 17:22

آقای نیمای عزیز

متأسفم که در یافتن کتاب دچار اشکال شده اید. میتوانید با تلفن با انتشارات دانه تماس بگیرید تا یک جلد آن را برایتان ارسال کنند. تلفن 88846148 یا 88842543 با احترام

نویسنده: کرامت موللی

دوشنبه 10 اسفند 1388 ساعت: 17:27

آقای تقویان عزیز

از ملاحظاتتان در مورد اغلاط کتاب بسیار متشکرم. اگر فرصت داشته باشید بیشترین محبت را بمن کرده و اغلاط کتاب را بتدریج تهیه و برایم بفرستید. انتشار کتاب در ایران و تصحیح و ویراستن آن از دور کار آسانی نیست. لذا با همکاری دوستانی چون شما در چاپ های بعدی مشکل تا حدود بسیاری رفع خواهد شد. با احترام

نویسنده: وحید

سه شنبه 11 اسفند 1388 ساعت: 7:19

با درود بر دکتر موللی عزیز،

همانطور که مستحضرید در ایران ما عمدتاً به متون مربوط به لکان فلسفی بویژه تفسیر ژیزک از لکان دسترسی داریم. می خواستم در صورت امکان نظرتان را در مورد لکان ژیزک بدانم. همچنین در خصوص فرق فانتسم (فانتزی) با سناریوی خیالی و ارتباط آن با میل دیگری می خواستم بیشتر بدانم با سپاس و امید

نویسنده: سهند

سه شنبه 11 اسفند 1388 ساعت: 19:52

آقای محمد: با اینکه اصلاً وقت خاراندن سرم را هم ندارم ولی موقتاً باید بگویم که لکان با خیل ریاضیدانان فرانسوی دوستی شخصی داشت و تمامی توپولوژی ایش را به متخصص توپولوژی **Jean-Michel Vappereau** نشان داده و تأییدیه گرفته بوده است. حتی به همین دوست اش گفته بوده که ریاضیدانان مرا نمی فهمند اما این دلیلی نیست که کارهای آنها را نخوانم. در اسرع وقت بیشتر دز این باره توضیح خواهم داد. موفق و تندرست باشید.

نویسنده: محمد

شنبه 15 اسفند 1388 ساعت: 10:35

ببینید آقای دکتر

در آنالیز ریاضی مدخلی به نام توپولوژی پایه وجود داره که نظریه مجموعه ها و فشردگی و هم بندی در اون بخش تدریس میشه. آشنایی من با این مباحث به اونجا بر میگردد. من پیش استاد بزرگی به زبان فارسی این ها رو خوندم. البته یک آنالیز است و نه توپولوژیست. به هر حال این مباحثی که گفتم رو در کتابتون و پیش از اون در جزوه ای که از این مباحث روی سایت قرار داشت نگاه کردم. مفاهیم دقیق بیان شدن (البته به هیچ وجه من صلاحیت نقد اونم در توپولوژی ندارم!!) اما این جوری یاد دادنی نیستن. حداقل به آدمایی که اونا رو میخونن. همین!!

نویسنده: محمد

شنبه 15 اسفند 1388 ساعت: 10:39

به سهند عزیز:

سلام سهند

من از قدیم می شناسمتون و دوست داشتم باهاتون بیشتر آشنا بشم

از کامنت و دعوایی که تو وبلاگای اقتصادی داشتی رفیق!!

به هر حال

حرف من فقط معطوف به شیوه آموزش نکاتی که گفتم به خوانندگان کتاب بود. همین.

نویسنده: تقویان

سه شنبه 18 اسفند 1388 ساعت: 19:4

سلام بر دکتر موللی و دوستان عزیز

آقای دکتر من در حال خواندن دوباره کتاب ارزشمند شما هستم تا اغلاط آن را مشخص کنم. بیشتر اشتباهات ناشی از عدم فاصله گذاری میان کلمات است. چنان که بیشتر پسوند ها یا پیشوندها به کلمات پس یا پیش از خود چسبیده اند و کار خواندن را با مشکل مواجه کرده اند. از موارد دیگر می توان به اشتباه در مورد نام نویسنده " نامه ربوده شده " اشاره کرد که ابتدا به جیمز جویس و سپس در چند صفحه بعد به آلن پو نسبت داده شده است.

با تشکر

نویسنده: کرامت موللی

چهارشنبه 19 اسفند 1388 ساعت: 16:4

آقای تقویان عزیز

از لطف و توجه شما سپاسگذارم. اغلاط مورد نظر را برای چاپ بعدی کتاب تصحیح خواهم کرد. در صورت ادامه این تصحیحات لطفاً مرا در جریان بگذارید. بااحترام

نویسنده: سهیل

یکشنبه 23 اسفند 1388 ساعت: 7:44

کوسه ای در مخزن زندگیتان بیندازید!.

کتاب اخیراً منتشر شده استاد موللی بدستم رسیده است که مجبورم کرده که تکانی بخود داده و برای جبران بی سوادى ام به مطالعه فرگه و دیگران به پردازم. بشر تنها در مواجهه چالش انگیز به صورت غریبی پیشرفت می کند.

ژاپنی ها عاشق ماهی تازه اند..اما آبهای اطراف ژاپن سالهاست ماهی تازه ندارد.بنابر این برای رساندن غذا به

جمعیت ژاپن قایق های ماهیگیری بزرگتر شدند و مسافت های

دورتری را پیمودند. ماهیگیران هرچه مسافت طولانی تری را طی می کردند به همان میزان آوردن ماهی تازه بیشتر

طول می کشید. اگر بازگشت بیش از چند روز طول می کشید ماهی ها دیگر تازه نبودند و ژاپنی ها مزه آن را دوست نداشتند.

برای حل این مسئله شرکت های ماهیگیری فریزرهای در قایق ها تعبیه کردند آنها ماهیها را می گرفتند و آنها را روی دریا منجمد میکردند. فریزرها این امکان را برای ماهیگیران ایجاد کردند که دورتر بروند و مدت زمان طولانی تری را روی آب بمانند. اما ژاپنی ها مزه ماهی تازه و منجمد را متوجه می شدند و مزه ماهی یخ زده را دوست نداشتند.

نویسنده: سهند

یکشنبه 23 اسفند 1388 ساعت: 7:45

بنا بر این شرکت های ماهی گیری مخزن هایی را در قایق ها کار گذاشتند و ماهی ها را در مخازن آب نگهداری می کردند. ماهی ها پس از کمی تقلا آرام می شدند و حرکت نمی کردند آنها خسته و بی رمق اما زنده بودند. متاسفانه ژاپنی ها هنوز هم می توانستند تفاوت مزه را تشخیص دهند. زیرا ماهیها روزها حرکت نکرده بودند و مزه ماهی تازه را از دست داده بودند. باز هم ژاپنی ها مزه ماهی تازه را نسبت به ماهی بی حال و تنبل ترجیح می دادند. پس شرکت های ماهی گیری به گونه ای باید این مسأله را حل می کردند. اگر شما مشاور صنایع ماهیگیری ژاپن بودید چه پیشنهاد می دادید؟

چطور ژاپنی ها ماهی ها را تازه نگه می دارند؟

برای نگه داشتن ماهی تازه شرکت های ماهی گیری ژاپن هنوز هم از مخازن نگهداری ماهی در قایق استفاده می کنند اما حالا آنها یک کوسه کوچک به داخل هر مخزن می اندازند. کوسه چند تایی ماهی می خورد اما ماهی ها با وضعیتی بسیار سرزنده به مقصد می رسند زیرا ماهی ها تلاش کرده اند.

توصیه:

به جای دوری جستن از مشکلات به میان آنها شیرجه بزنید. از بازی لذت ببرید..

عزم بیشتر و دانش بیشتر داشته باشید و کمک بیشتری دریافت کنید.

اگر به اهدافتان دست یافتید اهداف بزرگتری برای خود تعیین کنید

نویسنده: سهند

یکشنبه 23 اسفند 1388 ساعت: 7:58

کتاب "مقدماتی بر روانکاوی لکان منطق و توپولوژی" همچو کوسه ای مرا به حرکت و جنب و جوش انداخته است. اگر هدف کتاب خوب بقول خود لکان؟ و ویتگنشتین نه اضافه کردن معلومات و قانع کردن بلکه

که تکان دادن آدمی و وادار کردنش به چالش شیوه‌ها یا استانداردها تفکر باشد این کتاب بخوبی از عهده این امر برآمده است. برای استاد موللی موفقیت بیشتر و تندرستی ارزومندم.

نویسنده: آرش

چهارشنبه 26 اسفند 1388 ساعت: 11:51

سلام آقای دکتر موللی

اگر باید برمبنای اخلاق روانکاوی میل خود را شناخت و نیز میل از شناخته شدن سرباز می‌زند چگونه امکان عمل به آن وجود دارد. و اینکه من هنوز نتوانستم تمایزی بین تمتع و لذت. چه فرق اساسی بین تمتع و لذت وجود دارد. آیا تمتع در دایره میلی قرار نمی‌گیرد که اخلاق روانکاوی از ما می‌خواهد مطابق آن عمل کنیم؟

نویسنده: تقویان

چهارشنبه 26 اسفند 1388 ساعت: 18:30

ناراستی‌هایی که در چاپ وجود دارد در چند گروه قرار می‌گیرد.

برای اشتباهاتی که با ساختی واحد تکرار شده اند تنها به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود. باقی اشتباهات عیناً ذکر خواهد شد.

1- عدم فاصله گذاری میان حروف اضافه (در، از، که و ...) و کلمات و حروف پس و پیش آن مانند

"درهر نوبتی" ص 38

"در مقام" ص 39

"ازیک" ص 40

"درپی" ص 26 پاورقی

"دومعنی" ص 59 پورقی

2- عدم فاصله گذاری میان کلمات مانند

"تغییرشکل" ص 61

"درنظر بگیرد" ص 65

"فکر می‌کنم" ص 79

3- عدم فاصله گذاری میان کلمات و پرانتز مانند

"می‌ستاید(نارسیسیم)" ص 46 ،

4- جا افتادگی: "(نگ. همین کتاب، بخش، ص)" (که نام بخش و شماره صفحه نیامده است.

5- گذاشتن فاصله ای اضافی میان اجزاء کلمه ای واحد مانند

"می باشد" ص 36 پاورقی

-6 حروف اضافه گاهی به کلمه پس از خود می چسبند و گاهی نمی چسبند مانند

"به زبان" که در جای دیگر به صورت "بزبان" نوشته شده است

-7 غلط های املائی :

"مقاوت" ص 50. اگر اشتباه نکنم کلمه اصلی باید "تفاوت" بوه باشد

"رقتبار بار" ص 87. پاورقی ". بار" دوم، زائد است

"ادعای های" ص 88. پاورقی

"ارزشی دیگری" ص 92. با توجه به ساخت زبان فارسی و نیز سبک نویسنده صورت درست آن "ارزشی

دیگر" است

"جنین" ص 101. صورت درست آن "چنین" است

"درهم فرد بردن" ص 103. ظاهرا کلمه "فرد" در این جا زائد است. فاصله میان "در" و "هم" نیز رعایت

نشده است

-8 در ص 59، "نامه ربوده شده" اشتباها به جیمز جویس نسبت داده شده است حال آن که در ص 61 آلن پو

به عنوان نویسنده داستان معرفی می شود

-9 ص 77 کتاب دو بار چاپ شده و رشته کلام پیشین از هم گسسته است

آن چه ذکر شد مربوط به فصل اول کتاب است. بقیه فصول نیز ذکر خواهد شد.

نویسنده: سهند

چهارشنبه 26 اسفند 1388 ساعت: 20:26

اقای تقویان: لطفا صفحه 59 را با دقت بخوانید که در آنجا نامه ربوده شده به جیمز جویس نسبت داده نشده

است بلکه لکان در تحلیل این نامه از متد و تکنیک جویس استفاده کرده است. با احترام

نویسنده: سهند

چهارشنبه 26 اسفند 1388 ساعت: 20:29

راستی صفحه بندی کتابی که به دست من رسیده اشکالی ندارد و صفحه 77 دو بار تکرار نشده است. احتمالا

بعضی از کپی هایش اشکال دارد و نه همه.

نویسنده: تقویان

دوشنبه 16 فروردین 1389 ساعت: 16:17

سلام. دوست عزیز سهند حق با شماست نامه ربوده شده به درستی ارجاع داده شده است .

ناراستی های مربوط به فصل دوم

غلط های املایی:

شماره صفحه در پاورقی ص 116 ذکر نشده است، "موظفند" پاورقی ص 132، "مانتسم" ص 137

-2 واژگانی که فاصله میان آن ها رعایت نشده است:

"عطف بماسبق" ص 134، "مابه ازای" ص 136، "بطور مجازی" ص 139، "عین حضوری باشد" ص

141، "بسربرده" ص 142

نا راستی های مربوط به فصل سوم

-1 واژگانی که فاصله میان آن ها رعایت نشده است:

"بخود می گیرند" ص 152، "هربارظاهری" ص 156، "درمی دهد" ص 157، "بازمی گردد" ص 159،

"محرومیت از ذکر عبارت است" ص 159، "درمی آید" ص 160، "برمی گزیند" ص 160، "حداعلای" ص

164، "مقولهارزومندی" ص 165، "پدیدآورده" ص 170، "غیرنفسانی" ص 175، "غیر" در بسیاری از

ترکیبات به واژه پس از خود چسبیده است، "امرواقع" ص 176 و در صفحات دیگر نیز، "درهم فرورفته" ص

176 و در صفحاتی دیگر نیز، "دورمیزند" ص 178، "ضمیرناآگاه" ص 187، "در گیراست" ص 188،

"قرار می دهد" ص 189، "درمی یابیم" ص 192 و 194

-2 جاهایی که فاصله زائد وجود دارد:

پاورقی ص 159 خط آخر، "حاشیه بوده یک رو" "...، "می بایستی در رابطه" ص 161، "می بایستی خلائی"

ص 178

-3 غلط های املایی:

"ناگزیر به" ص 148، "لارم است" ص 148، "بعدا با این مسئله خواهیم پرداخت" ص 149، "تنها از این

طریق است که است که" ص 163

نویسنده: تقویان

سه شنبه 24 فروردین 1389 ساعت: 9:54

نا راستی های مربوط به فصل چهارم

-1 عدم رعایت فاصله میان حروف و کلمات:

"یابدتر" ص 199، "از هم وامی شوند" ص 204، "خاطر نشان" ص 206،

-2 گذاشتن فاصله اضافی میان کلمات:

"گفتار روانکاو می بایستی حاصلی" ص 212، "در اینجا می بایستی با" ص 214

-3 غلط های املایی:

واژه "پدرمان" که دو بار در ص 215 آمده است. صورت درست این واژه، "پدرانمان" می باشد.

نا راستی های مربوط به موخره

1-عدم رعایت فاصله میان حروف و کلمات:

را" ص 230. این اشتباه در ص 233 و ...نیز تکرار شده است، "تشکیل خواهدداد" ص 230، "... بازماند"  
ص 232، "یکشکل" ص 236 "Eگردهم آمدن" ص 219، "مجموعه ای چون

2-جا افتادگی:

می خوانند و آن را به صورت نشان می دهند" ص 232، ظاهرا در ص 236 واژه "...Aفضای الصافی  
"فرض" از ابتدای پاراگراف سوم افتاده است.

3-گذاشتن فاصله اضافی میان کلمات:

"... دو جانبه متقابل آنها" ص 233

4-غلط املائی:

"جیزی" ص 232. درست آن "چیزی" است، "نیستند" ص 233،

5-جملات پایانی ص 235 در آغاز ص 236 تکرار شده است.

نویسنده: کرامت موللی

سه شنبه 7 اردیبهشت 1389 ساعت: 10:32

آقای تقویان عزیز

از تصحیحات شما بی نهایت متشکرم. در چاپ آینده کتاب آنها را مد نظر قرار خواهم داد. بااحترام

نویسنده: کرامت موللی

سه شنبه 7 اردیبهشت 1389 ساعت: 10:39

آقای آرش عزیز

از تأخیر در پاسخ به شما معذرت میخواهم. در زیر تفاوت میان لذت و تمتع را که در کتاب اخیرم آمده برایتان  
میفرستم:

تمتع **Jouissance** یکی از اصطلاحات اساسی در روانکاوی لکان است. قبل از همه می بایستی تفاوت ماهوی  
آن را با لذت (**Plaisir (pleasure, Ger.Lust)** خاطر نشان کرد، بدین معنی که تمتع وجه مقابل لذت است  
بنحوی که آغاز آن مصادف با توقف حظ و لذت می باشد. این امر را می توان حتی در آمیزش جنسی ملاحظه

کرد چراکه برای نیل به تمتع جنسی لازم است که لذایذ اولیه که مع الوصف سهمی مهم در دسترسی به تمتع داشته راه را برای وصول آن هموار می سازند توقف یابند. این نکته را بخصوص می توان در مورد افرادی که قادر به بهره مندی از تمتع جنسی نیستند مشاهده کرد. چراکه فردی که به کمال جنسی نرسیده است همواره در لذایذ اولیه که حاکی از تثبیت **Fixation** در مراحل ابتدائی جنسی (مقعدی، دهانی و . . .) است گم شده نمی تواند به تمتع نهائی نائل آید. اصل تفاوت میان تمتع و لذت را می بایستی در نظریه فروید در باب رانش ها **Pulsions (drives, Ger. Trieb)** جستجو کرد. بنابراین نظر قاطع فروید رانش غایتی جز کاهش تنش حاصل در تن افزار (ارگانیسم) ندارد و لذت چیزی جز آنچه در پی کاهش تنش بدست می آید نیست. لذا تن افزار بر این گرایش دارد که همواره تنش را در پایین ترین حد آن نگهدارد و در صورت ممکن آن را به درجه صفر برساند. اما این گرایش خلاف اصل حیاتی موجودات زنده عمل می کند.

نویسنده: کرامت موللی

سه شنبه 7 اردیبهشت 1389 ساعت: 10:41

دنباله پاسخ قبلی

از همیروست که فروید معتقد به تألیف تنگاتنگ رانش مرگ و زندگی است. این تناقض که در ذات این موجودات نهفته است در نفسانیات آدمی پیچیدگی مهم تری پدید آورده منشأ فعل و انفعالات قابل توجهی می گردد. لکن این اصل را تمتع می خواند. لذا تمتع حرکتی است متناقض در ذات نفسانیات که در عین حالی که متوجه امریست مثبت (لذت) کاری جز تیشه زدن بر ریشه خود نکرده از آدمی موجودی خسران طلب می سازد. بهمین جهت است که بنا بر نقطه نظر خاص روانکاوی مشکلات و تناقضات نفسانی در بطن فرد بوده از او موجودی اساساً نوروتیک می سازند. نوروز را نمی توان بنابر برداشتی که علم پزشکی از آن دارد و بنا بر آن انسان در پی چیزی جز سعادت (تمتع) نیست درک و فهم کرد. لذا آدمی را از مشکلات و معضلات روانی گریزی نیست چرا که تمتع چیزی جز آلم و رنج نبوده عین آنست. تمتع بدین معنی است در نفس آدمی نوعی تورم در جستجوی لاینق لذت پدید می آید که حاصلی جز رنج ندارد. این تورم چندان فزونی می گیرد که تمام نفسانیات را تحت شعاع خود قرار می دهد. ازین روست که لکان با عاریت گرفتن اصطلاحی خاص از کارل مارکس (**Mehrwert**) آن را مازاد لذت **Plus-que-jouir** می نامد.

مفهوم تمتع نزد لکان را می توان با آنچه قدمای ما سر سویدا می خوانند نزدیک دانست. از همیروست که برای لکان آنچه فرد حاضر به ازدست دادن آن نیست همین رنج و آلم (تمتع) اوست. لذا غایت روانکاوی کسب آگاهی از آن و ایجاد تزلزلی عمده در آنست. با احترام

نویسنده: آرش

شنبه 11 اردیبهشت 1389 ساعت: 17:54

سلام جناب دکتر موللی

از پاسختان ممنونم من اکثر کتابها و ترجمه هایتان را خوانده ام و بنظرم ترجمه های شما بهترین و سلیس ترین ترجمه هایی است که برای آشنایی با روانکاوی لکان انجام شده و از اینکه امکان پرسش و پاسخ را در وبلاگتان ایجاد کردید تشکر می کنم

نویسنده: محسن

سه شنبه 14 اردیبهشت 1389 ساعت: 10:33

درود بر جناب دکتر موللی

تلاشهای بی شائبه جنابعالی در جهت شناساندن روانکاوی قابل تقدیر است.

نظر به شعار لکان در باب وفادار ماندن به آرزومندی، تمایز میان دو صورت بندی متفاوت خاتمه فرآیند روانکاوی (1-انطباق هویت با عارضه نفسانی 2- گذشتن از یا پشت سر نهادن فانتسم) در چیست؟  
با سپاس

نویسنده: کرامت موللی

سه شنبه 14 اردیبهشت 1389 ساعت: 11:15

دوست عزیز،

در پاسخ به سؤال شما در مورد تفاوت میان دو فرایندی که در نظر لکان حاکی از خاتمه یافتن روانکاوی است باید دانست که هر دو وجوه مختلفی از این خاتمه بوده و بنا به طی طریق هر فرد قابل ارزشیابی هستند ولی بطور کلی باید گفت که در اکثر موارد میتوانند مکمل یکدیگر باشند. بااحترام

نویسنده: صلاح الدین

جمعه 24 اردیبهشت 1389 ساعت: 7:19

با سلام خدمت شما

می خواستم بدانم آیا لکان در مورد تحلیل شخصیت فروید هم متنی دارند؟  
آیا ترجمه شده است؟

می توانم در صورت وجد آنرا از شما بگیرم؟

ممنون

[وب سایت](#)

نویسنده: نرگس

یکشنبه 26 اردیبهشت 1389 ساعت: 17:43

سلام خدمت شما.

مثل همیشه سوالی از حضورتان دارم.

روان(فرهنگ) (مصدق است یا فرهنگ؟

اگر توضیحی بفرمایید ممنون میشم

.

نویسنده: کرامت موللی

یکشنبه 26 اردیبهشت 1389 ساعت: 21:37

خانم نرگس عزیز

ممکن است در مورد سؤالتان بیشتر توضیح بدهید. با احترام